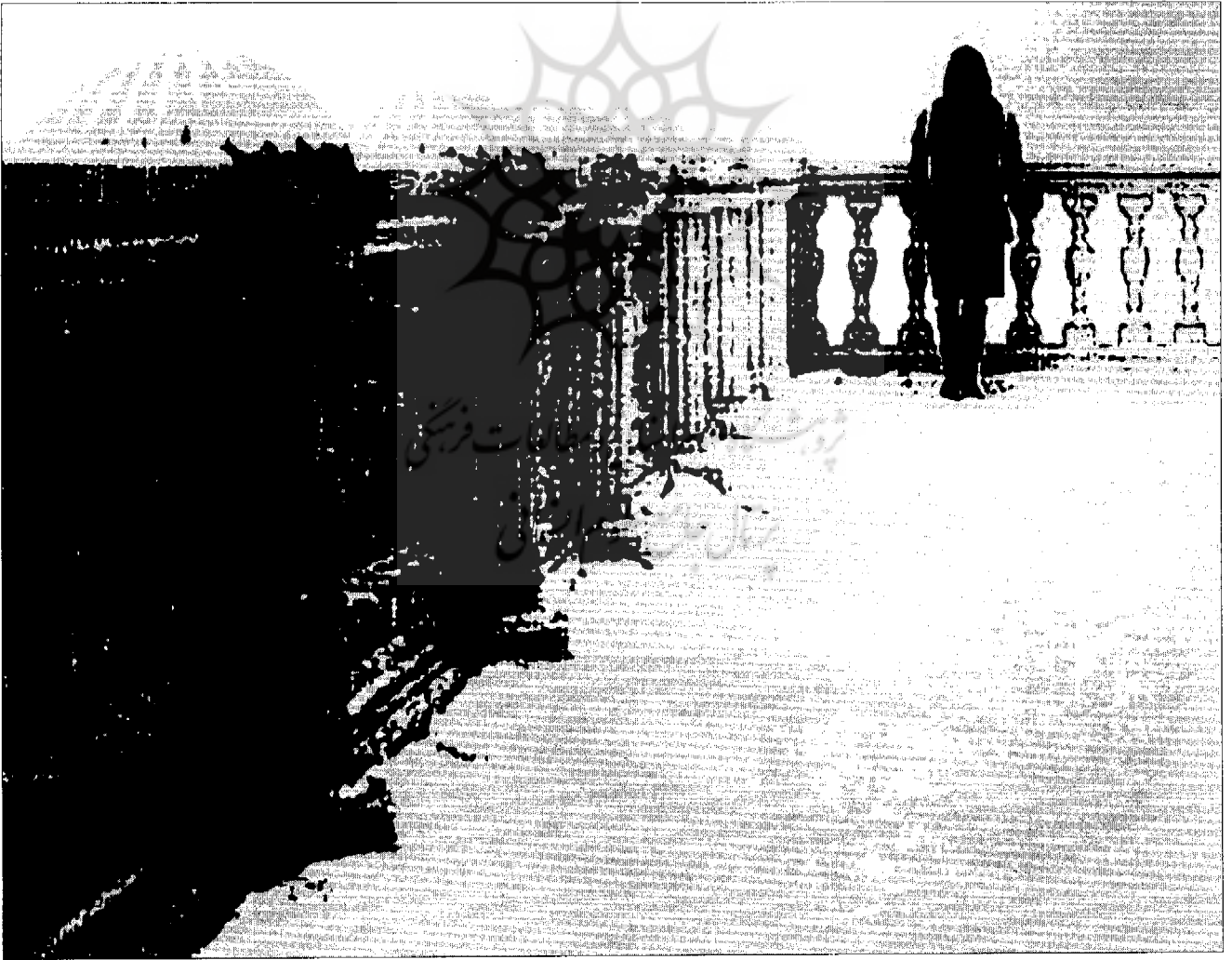


همسر اول

فرانسواز شاندا ناگور
• ترجمه اصغر نوری

La premiere epouse

Francoise Chandernagor



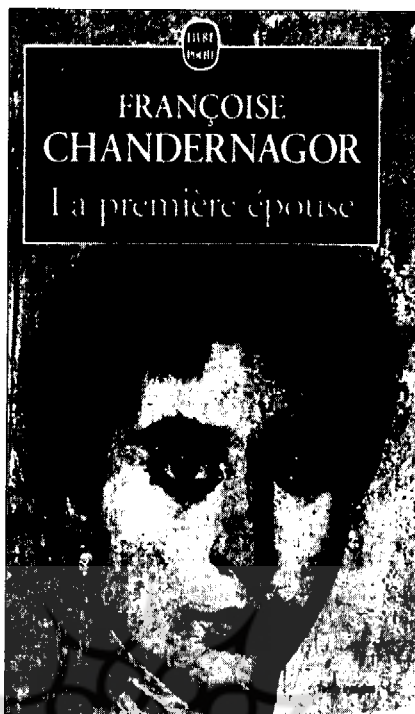


فرانسواز شاندرناگور به سال ۱۹۴۵ در شهر اِسون (واقع در ناحیه کرواز) به دنیا آمد. اجداد پدری او هندی بودند و این اسم خانوادگی از آنجا ریشه می‌گیرد. فرانسواز دوران نوجوانی‌اش را در آ دو سین گذراند و بعد به پاریس رفت. پدر بزرگ مادری او بنایی از اهالی کرواز بود. شاندرناگور علاقه زیادی به ریشه‌های کسروازی خود دارد و عاشق طبیعت آن‌جاست. به طوری که امروز بین پاریس و کرواز زندگی می‌کند.

پس از گرفتن دیپلم انستیتوی مطالعات پاریس و لیسانس حقوق عمومی، در بیست و یک سالگی وارد مدرسه ملی مدیریت ENA شد و دو سال بعد با درجه ارشد، آن‌جا را ترک کرد. آن موقع، او اولین زنی بود که به این درجه نائل می‌شد. در سال ۱۹۶۹، در آزمون ورودی شورای دولتی پذیرفته شد و مسئولیت‌های حقوقی مختلفی به عهده گرفت. در همین دوران ازدواج کرد و اکنون سه پسر دارد.

او همچنین پست‌های متعددی در بخش فرهنگی و سرویس‌های اقتصادی وزارت امور خارجه به عهده گرفت و معاونت بعضی از تشکلهای غیرانتفاعی خیرخواهانه را پذیرفت. در سال ۱۹۹۳، شورای دولتی را ترک کرد تا خود را کاملاً وقف ادبیات کند.

اولین رمان فرانسواز شاندرناگور، «خیابان پادشاه»، در سال ۱۹۸۱ چاپ شد که جایزه آمباسادور و جایزه خوانندگان مجله Elle را برای او به ارمغان آورد؛ رمانی پرفروش که در عین حال، از طرف منتقدان هم مورد استقبال قرار گرفت. خیابان پادشاه در مدت زمانی کوتاه به دوازده زبان ترجمه شد و در تئاتر و تلویزیون مورد اقتباس قرار گرفت. این رمان تاریخی که خاطرات خیالی مادام دومنتون - دومین همسر لویی چهارم - را بازگو می‌کرد، از ظهور مارگریت یورسنار دیگری در ادبیات فرانسه نوید می‌داد که نامش یادآور رمان‌های تاریخی معروفی چون «خاطرات آدرین» (۱۹۵۱) و «کنکاش در ظلمت» (۱۹۶۸) است. با این حال، اثر بعدی شاندرناگور که در سال ۱۹۸۸ چاپ شد، یک تریلوژی بود که به حوادث جامعه فرانسه بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ می‌پرداخت؛ تریلوژی



منتقدان بار دیگر روی این موضوع تأکید کردند که استعداد اصلی شاندرناگور در حیطه رمان تاریخی است. اما خود نویسنده در گفت‌وگویی با مجله Lire ژوئن ۱۹۹۵، به‌رغم صحنه گذاشتن برعلاقه وافرش به اساطیر و متون تاریخی، می‌گوید: «فکر می‌کنم رمان‌های معاصر و آن‌هایی که در زمان‌های گذشته و زمان شاهان روی می‌دهند، در تقابل با یکدیگر نیستند. به نظر من همه رمان‌ها تاریخی‌اند و درس‌های ظلمت به همان روشی نوشته شده که فرزند روشنگری: با دغدغه به تصویر کشیدن یک جامعه از ورای نگاهی شخصی.» او طی این گفت‌وگو بارها برعلاقه توأمانش به موضوعات تاریخی و معاصر تأکید می‌کند و بارها می‌گوید که شیوه کارش یکسان است.

«همسر اول» که در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسید، رمان معاصری است که بین پاریس و روستایی به نام کومبری (واقع در ناحیه کرواز) اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد این رمان، شخصی‌ترین اثر شاندرناگور باشد. حتی در این رمان امروزی هم، علاقه و تسلط او به اساطیر و متون قدیمی ادبیات جهان، به خوبی نمود پیدا کرده است. استقبال خوبی که از این رمان به عمل آمد، باعث شد که بارها تجدید چاپ شود که آخرینش در سال ۲۰۰۷ بود.

دو رمان بعدی شاندرناگور، تاریخی بودند. اتاق (۲۰۰۲)، قصه کودکی لویی هفدهم است؛ تحقیقی زیر و رو کننده درباره احتضار آرام و دردآلود پسرپنجاهی نه ساله که در برجی به ارتفاع بیست و چهار پا زندانی می‌شود. رنگ زمان (۲۰۰۴)، قصه زندگی یک نقاش درباری را بازگو می‌کند که با گذشت زمان فراموش می‌شود.

آخرین رمان شاندرناگور، مسافر شب (۲۰۰۷)، رمانی امروزی است که به رابطه مادر - دختری می‌پردازد؛ مادری که به تازگی فوت کرده، بی‌وقفه به خاطره و زندگی چهار دخترش باز می‌گردد. مرگ، تم اصلی این رمان است.

فرانسواز شاندرناگور یکی از مطرح‌ترین نویسنده‌های معاصر فرانسه است که آثارش به بیش از پانزده زبان دنیا ترجمه شده‌اند. او از سال ۱۹۹۵، عضو آکادمی گنکور است.

«درس‌های ظلمت» از سه رمان «بی‌همتا»، «ملک مقرب وین» و «فرزند گرگ‌ها» تشکیل یافته بود که در سال ۱۹۹۰ جایزه شاتو بریان را به خود اختصاص داد.

در سال ۱۹۹۴، شاندرناگور نمایشنامه‌ای به نام «سایه خورشید» را نوشت که همان سال در پاریس و بروکسل به روی صحنه رفت. یک سال بعد، با رمان «فرزند روشنگری» دوباره به رمان تاریخی روی آورد. ماجرای این رمان در قرن هجده روی می‌دهد و قصه بیوه‌زن اشرافی جوانی را بازگو می‌کند که در یک شهرستان زندگی می‌کند و وظیفه دشوار تربیت تنها پسرش را یک‌تنه به عهده گرفته است. علاوه بر تسلط شاندرناگور در ژانر رمان تاریخی، دیگر عاملی که باعث شد این رمان مورد توجه قرار بگیرد، نزدیک شدن او به موضوعی بود که کمتر در ادبیات مورد توجه قرار گرفته است: رابطه مادر - پسر یا عشق مادری به پسر خود. بعد از چاپ این رمان،